

«معرفی سعیدا نقشبند یزدی به همراه بررسی سبک شناسانه اشعار وی»

رضیه رضایی تفتی^۱، فاطمه سادات طاهری^{*۲}

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

اسفند ۱۴۰۰، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۷۰، صفحات ۱۸۰-۱۵۵

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۴.۶۲۸۱

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: سبک به معنای روش خاصی است که نویسنده یا شاعر برای تبیین اندیشه‌ها و عواطف خود بکار میگیرد و دانش سبک‌شناسی یک اثر را از نظر انتخاب واژه‌ها و الفاظ، قواعد دستوری، بکارگیری فنون و آرایه‌های ادبی، اندیشه، جهان‌بینی و دیدگاه‌های آفریننده آن مطالعه میکند. مقاله حاضر به معرفی سعید نقشبند یزدی، شاعر عارف قرن یازدهم و ویژگیهای سبک‌شناسانه شعری او میپردازد.

روش مطالعه: این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده که با روش اسنادی و کتابخانه‌ای در محدوده مطالعاتی متن تصحیح‌شده دیوان اشعار سعیدا نقشبند یزدی، به گردآوری اطلاعات پرداخته و کوشیده ضمن معرفی شاعر ویژگیهای سبکی اشعار او را مشخص کند.

یافته‌ها: سعید نقشبند متخلص به سعیدا از شاعران قرن یازدهم هجری است که سال تولد و وفاتش بر کسی روشن نیست. نگارنده که دیوان اشعار وی را تصحیح کرده با پاسخ به این پرسشها که سعیدای نقشبند کیست؟ اشعار او چه ویژگیها و برجستگیهایی دارد؟ و در سطح زبانی، ادبی و فکری کدام شیوه سبکی را برای شعر خود برگزیده است؟ روشن میکند شاعر یزدی‌الاصل در زمان شاه‌سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه.ق.) ترک دیار کرده و در اصفهان سکونت گزیده است. سعیدا پیرو مذهب ابوحنیفه و طریقت عرفانی نقشبندی بوده و برای گذران زندگی نیز به نقشبندی و شعربافی که از مشاغل آن زمان بوده اشتغال داشته است. سعیدا تفکرات عرفانی خود را در کسوت تصویرسازیهای بدیع و نازک‌خیالیهای دقیق حاصل از آرایه‌های بدیعی در دیوان اشعار خویش منعکس کرده است. دیوان او که جمعا ۴۸۱۵ بیت دارد، عمدتاً در قالب غزل سروده شده است.

نتیجه‌گیری: سعیدا از شاعران شایسته دوره صفوی است که با بکارگیری زبان کهن و گاه محاوره، ترکیب‌سازیهای بدیع، تصویرسازیهای زیبا، استفاده ویژه از تشبیه، تمثیل، شخصیت-بخشیمهای استعاری، تلمیح، تضاد و تناسب، انواع ایهام، عشق، عرفان و اخلاق را با شکایت از ریا و تزویر و روزگار درهم آمیخته و شعر بزرگانی چون حافظ را فرا یاد می‌آورد.

تاریخ دریافت: ۱۹ آبان ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۲۱ آذر ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۰۲ دی ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۲۵ بهمن ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، ویژگیهای زبانی، ویژگیهای ادبی، ویژگیهای فکری، سعید نقشبند یزدی، دیوان اشعار.

* نویسنده مسئول:

✉ taheri@kashanu.ac.ir

☎ ۵۵۹۱۹ (۰۹۸ ۳۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

“Introducing Saeed Naqshband-e Yazdi along with the stylistic features of his Collection of Poems”

F. Taheri^{۱*}, R. Rezaei Tafti^۲

^۱- Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.

^۲- Department of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۹ November ۲۰۲۰

Reviewed: ۱۱ December ۲۰۲۰

Revised: ۲۳ December ۲۰۲۰

Accepted: ۱۳ February ۲۰۲۱

KEYWORDS

Stylistics, linguistic Features, literary Features, Intellectual Features, Saeed Naqshband Yazdi. Collection of Poems.

*Corresponding Author

✉ taheri@kashanu.ac.ir

☎ (+۹۸۳)۰۵۹۱۹

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Style means a special method that a writer or poet uses to explain his thoughts and emotions, and stylistics is the knowledge that study a work in choosing words and phrases, in use of grammatical rules, imply literary techniques and figurative speech, and explain the thought, ideology and views of creator's work. The present article introduces Saeed Naqshband Yazdi, the ۱۱th century mystic poet and his stylistic poetic features.

METHODOLOGY: This descriptive-analytical study was conducted by collecting information with a documentary and library method in the study of the corrected text of Saeeda Naqshband Yazdi's poetry collection and tried to identify the stylistic features of his poems while introducing the poet.

FINDINGS: Saeed Naqshbandi Yazdi known by sobriquet Saeida is one of the poets of the ۱۱th century A.H., Whose year of his birth and death is not clear. The Yazidi poet is said to have left the birthplace during the reign of the Safavid Shah Suleiman (۱۶۶۶-۱۶۹۶) and settled in Isfahan. According to Saeida's poetry and memoirs, he was a follower of the religion of Abu Hanifa and the mystical way of Naqshbandiyya, and for a living he was engaged in Naqshbandi and Sha'arbafi, which were among his occupations at that time. Saeida has reflected his mystical thoughts in the guise of exquisite illustrations and precise fantasies with the help of literary devices and imagery. His collection of poems, which has a total of ۴۸۱۵ verses, has been composed mainly in the form of sonnets.

CONCLUSION: Authors argue Saeida is one of the worthy poets of the Safavid period who, using the ancient and sometimes colloquial language, new compositions, beautiful illustrations, special use of similes, metaphorical personifications, allusions, contradictions and proportions, all kinds of equivoque and combines love, ethics and mysticism with complaints of hypocrisy and therefore remembers Hafez's poetry.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۴,۷۲۸۱](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.7281)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۳.	 ۴	 ۰

مقدمه

سبک عصر صفوی معروف به سبک هندی در اوایل قرن یازدهم پدید آمد و تا اواسط قرن دوازدهم ادامه داشت. عصر صفوی، عصر رواج مذهب شیعه بود و بدلیل بیتوجهی صفویان به شعر مدحی، شاعران نیز بدنبال قصیده و شعر مدحی نرفتند و توجه آنها به امور جزئی، اندرز، توصیف، و بیان امور طبیعی و تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه معطوف شد (فرهنگنامه ادبی فارسی، انوشه: ص ۷۹۵). بیرون آمدن شعر از دربار و رفاه اقتصادی مردم موجب ورود شاعرانی با مشاغل و سطح سواد گوناگون و در نتیجه رواج زبان و اصطلاحات عامیانه در عرصه شعر شد (سبک‌شناسی شعر فارسی، شمیسا: ص ۲۷۶). عمدتاً غزل، قالب اصلی شعر در سبک هندی است؛ ولی غزلی که اغلب هریک از ابیاتش، تک‌بیتی زیبا و نایاب هستند که به کمک قافیه‌هایی متنوع و گاه مکرر و ردیفی‌هایی زیبا و طولانی بهم متصل شده‌اند. از میان فنون بیان و صنایع بدیع لفظی و معنوی، تمثیل بالاترین بسامد را در شعر این دوره دارد. شاعر سبک هندی مضمون‌ساز، خیالپرداز و نکته‌گوست و با عناصر مادی و ذهنی تصاویر بدیع میسازد (رک: کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۷۱). گرایش شاهان صفوی به تصوف از یک طرف موجب ترویج تصوف و گسترش فرقه‌های آن در این عصر شد و از سوی دیگر به رونق تصوف و عرفان در شعر این دوره انجامید.

سعیدا نقشبند یزدی از شاعران عصر صفوی هم‌دوره با صائب و از پیروان فرقه نقشبندیه بوده، شعرش را در خدمت عرفان قرار داده و بسبب سرودن شعر اخلاقی و عرفانی، برجستگی‌های شعری و نزدیکی شعر او به بزرگان سبک هندی، از جایگاه والایی برخوردار است. نگارنده (رضایی تفتی) که دیوان او را زیر نظر مرحوم ایرج افشار مقابله، تصحیح و چاپ کرده است، میکوشد برای اولین بار در این مقاله در پژوهشی کیفی با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر اشعار دیوان سعیدا با معرفی این شاعر و سبک شعری او، با پاسخ به این پرسشها که سعیدای نقشبند یزدی کیست؟ کدام ویژگیها و برجستگیهای شعری در شعر او راه یافته؟ و در سطح زبانی، ادبی و فکری کدام شیوه سبکی را برای شعر خود برگزیده است؟، استنتاج کند سعیدا در عین گرایش به لغات کهن و عربی، ترکیبهای زیبا و بدیعی ساخته، با اصطلاحات عرفانی و باده و ابزار باده‌نوشی تصویرسازی کرده، از فنون بدیعی به تشبیه بویژه تشبیه تمثیل و استعاره‌هایی از نوع شخصیت‌بخشی بسیار توجه کرده، از بدیع لفظی و معنوی بخصوص آرایه‌های تلمیح، جناس، ایهام، تضاد و تناسب بهره‌ها برده و با پرداختن به مضامینی چون آمیزش عشق و عرفان و شکایت از روزگار و ریاکاران، شعر پیشینیانی چون حافظ را بخاطر میاورد تا بدینگونه این شاعر عارف مسلک را به علاقمندان شعر فارسی و عرفان بشناساند.

سابقه پژوهش

درباره سعیدا تنها دو مقاله با عناوین «بررسی وزن اشعار سعیدا نقشبند یزدی» اثر محمدرضا نجاریان (۱۳۹۳) و «چندگانگی و چندگونگی مضمون در دیوان سعیدا نقشبند یزدی» اثر محمدرضا نجاریان و فاطمه بهاری‌فر (۱۳۹۰) چاپ شده و هنوز درباره معرفی سعیدا و شعر او و ویژگیهای سبکی اشعار او اثری منتشر نشده است که نگارندگان میکوشند در این مقاله بررسی و تحلیل نمایند.

بحث و بررسی

معرفی سعیدا

شایسته است ابتدا مطالب منقول در تذکره‌ها درباره سعیدا نقل شود و سپس اطلاعاتی حاصل از تصحیح و

مطالعه اشعار وی تبیین شود. تذکره نصرآبادی، قدیمیترین کتابی است که از سعیدا نام برده است. «سعیدای یزدی باوجود پیری نهایت شوخی و زنده‌دلی داشت. در فن نقشبندی مهارت حاصل نموده، در فن شعر هم گاهی نقشی بر صفحه میبست. در اصفهان ساکن بود. چند پسر دارد که به شعربافی مشغولند» (تذکره، نصرآبادی: ص ۳۳۴).

مفید مستوفی و مدرسی یزدی سعیدا را مجنون نامیده‌اند. «سعیدای مجنون از کدخدازادگان معتبر یزد است. در ایام شباب و عنفوان جوانی شورشی در سرش افتاده، از لباس اعتبار عریان گشته و قریب مدت سی سال با کمال نشئه جنون با ارباب عقل و هوش مصاحبت و مجالست نمود و اکثر اوقات در بدیهه اشعار آبدار بر زبان آورده، به سامع حاضران میرسانید» (جامع مفیدی، مفید مستوفی: ص ۴۵۵؛ نیز رک: تذکره شبستان، مدرسی یزدی). طبق نظر والده داغستانی، سعیدای نقشبند یزدی در زمان شاه سلیمان مغفور صفوی به اصفهان آمده، در آنجا ساکن گردید (ریاض‌الشعراء، والده داغستانی، ج ۲: ص ۱۰۱۹).

در آتشکده آذر آمده: «سعید مرد آگاهی‌ست در فن شعر و نقشبندی هر دو مهارت تمام داشته و در اصفهان بسر میبرده است» (آتشکده، آذربیدلی: ص ۲۶۷). بهمن‌میرزا قاجار نوشته است: «سعید یزدی ساکن اصفهان بوده، چند فرد از او در میان است» (تذکره محمدشاهی، بهمن‌میرزا قاجار، رشته اول: ص ۱۵۱). سیدمحمدصدیق بهادر درباره او نوشته است: «سعیدا نقشبند یزدی، نقشبند کارگاه خوش‌تراشی است و صورت‌آفرین هیولای خوش-قماشی و میرزا صائب او را به زبان ادب یاد میکند:

این خوش‌غزل ز فیض سعیدای نقشبند / صائب ز بحر دل به انامل رسیده است
او نزد اکابر وقت نیز معزز و محترم بوده است» (شمع انجمن، بهادر: ص ۱۹۹).

آقابزرگ طهرانی او را شاعری یزدی و ساکن اصفهان دانسته که در صناعت تصویر، نقوش و ابنیه مهارت داشته و صائب او را مدح کرده و سعیدای نقشبند نامیده‌است (رک: الذریعه، آقابزرگ طهرانی، بخش دوم از جزء نهم: صص ۴۵۲ و ۴۵۳).

سعید نقشبندی یزدی - که در شعر خود بیشتر سعیدا و بندرت سعید تخلص میکرد- از شاعران قرن یازدهم است. پیشه‌اش نقشبندی بود و علاوه بر آن شعربافی میکرده و پیرو طریقت نقشبندی بوده است. تنها تاریخی که در دیوان او یافت میشود، بیتی از قصیده او در منقبت پیامبر اکرم (ص) است: هزار و هشت کم از صد گذشته از عهده / هنوز در همه آفاق حکم میرانی (دیوان اشعار، نقشبند یزدی: ص ۲۷۹)

با توجه به آن میتوان دریافت سعیدا در سال ۱۰۹۲ ه.ق. یعنی بعد از وفات صائب هنوز زنده بوده است. برطبق تذکره‌ها، سعیدا در زمان شاه‌سلیمان صفوی به اصفهان رفته و در آنجا ساکن شده که با توجه به سلطنت شاه-سلیمان از ۱۰۷۷ ه.ق. تا ۱۱۰۵ ه.ق. سفر سعیدا در این دوره زمانی اتفاق افتاده؛ به‌رحال سعیدا ترک دیار کرده و عمری را در غربت بسر برده است:

بس که در غربت ز تنهایی صفاها کرده‌ام / نیست در خاطر که من یار و دیاری داشتم (همان: ص ۲۱۰)
تا نمیدیدم ز غربت سردووضعیا به کار / چون سمندر کاش در آتش وطن میداشتم (همان: ص ۲۱۰)
ز بس به مردم بیگانه خو گرفته دلم / چو چشم آینه از یاد رفته فکر وطن (همان: ص ۲۷۵)

^۱ . از این پس برای ذکر شواهد مثال از دیوان سعیدا فقط به ذکر شماره صفحه بسنده میشود.

او در سرتاسر دیوان خود از فرزندان و خانواده‌اش سخن نگفته، اگرچه به روایت تذکره‌ها سه پسر داشته که شعربافی میکردند و گویا ذوق شعری پدر را به ارث نبرده‌اند. فقط گاه از بیمهری یاری دمشقی که در سفر به شام دلباخته او شده است، سخن میگوید. در غزلی خطه شام را شهر بیدادگران مینامد و در غزلی دیگر، ماهرویان دمشقی را بیوفا میخواند:

در نگاه بت خودکام نمیباشد مهر / در دل سنگ دلارام نمیباشد مهر
ماهرویان دمشقی ز وفا بیخبرند / راست بوده‌ست که در شام نمیباشد مهر (ص ۱۶۶)
زلف او هیچ دلی نیست که داغی ننهاد / شهر بیدادگران خطه شام است امروز (ص ۱۶۹)
سعیدا در شام مسجد جامع و مزار حضرت یحیی^(ع) را نیز دیده است:
جامع رشک جنان فیض اثر دیدیم ما / گویا در شام، دنیای دگر دیدیم ما (ص ۲۱)
هر که پرسد از سعیدا تا کجا رفت از دمشق / در جواب او بگویدش جهان آباد رفت (ص ۸۴)
اگرچه شام جنت لیک اهلش طرفه ناهلند / همان بهتر حسینی‌وار کس در کربلا افتد (ص ۹۹)
سال وفات سعیدا مشخص نیست، ولی چنانکه در تذکره‌ها آمده و از شعر او برمی‌آید، به روزگار پیری رسیده است:

زبونی تو سعیدا ز دست پیری نیست / که نخل عمر تو از بار و حاصل افتاده‌ست (ص ۶۰)
پیری فکنده طرفه فتوری حواس را / گویا که کرده یوسف از این کاروان خروج (ص ۹۲)
ای جوانان به شما فصل بهار ارزانی / پیرافشانی هنگام خزان ما را بس (ص ۱۷۳)
(برای اطلاعات بیشتر رک: مقدمه دیوان سعیدا، رضایی تفتی: صص یک تا بیست‌وهفت)

معرفی نسخه‌های موجود دیوان

از دیوان سعیدا سه نسخه در دست است:

الف) نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) به خط نستعلیق یعقوب سمرقندی در سده یازدهم و دوازدهم، جدول زر و لاجورد و شنگرف، ستون‌بندی زر، در ۱۶۲ برگ و ۱۷ سطر (اندازه ۱۴ × ۲۱ کاغذ سفید، جلد تیماج سرخ ضربی و مقوایی نو به شماره ۱۶۶۷۴. اشعار در این نسخه گاه به ترتیب تهجی آمده و گاه از ترتیب خارج شده است. در چند قسمت نیز افتادگی مشاهده میشود. جمعاً ۴۸۱۵ بیت در قالبهای غزل، قصیده، رباعی، مفردات و قطعه دارد و در انتهای آن دو بیت از کاتب نسخه آمده که عبارت «سوده الفقیر الحقییر یعقوب سمرقندی غفر ذنوبه، تمت» پیش از آن نوشته شده است:

چون طایر روح از این قفس رانده شود / جان نیز به خاک تیره درمانده شود
یک فاتحه‌ای به روح من بخشایید / وقتی که خط مشوشم خوانده شود
(رک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۲)

ب) نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی با خط شکسته نستعلیق، رقم و تاریخ ندارد، اندازه آن ۱۲۰ در ۲۰۰ میلیمتر است، با جلد تیماج زرشکی ترنج منگنه، کاغذ فرنگی، ۳۰۹ صفحه، ۱۷ سطر، اندازه نوشته ۱۴۰ در ۷۵ میلیمتر، شامل ۴۶۰۰ بیت (غزل، رباعی، قصیده، مفردات، قطعه). دیوان به ترتیب حروف تهجی است. این نسخه تعدادی از غزلیات نسخه خطی ۴۸۱۵ بیتی را ندارد؛ ولی ۲۸ غزل و یک رباعی دارد که در آن نسخه موجود نیست (رک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۲).

ج) سومین نسخه خطی دیوان سعیدا با ۱۹۹۲ بیت، در قالبهای غزل، رباعی، مثنوی و قطعه، بدون رعایت ترتیب حروف تهجی به خط شکسته نستعلیق سده دوازدهم در کتابخانه ملک نگهداری میشود و در بعضی صفحات هامش افزوده‌هایی از کاتب دارد. نسخه در ۸۱ برگ و هر برگ ۱۵ سطر، کاغذ فستقی و با جلد رویه روغنی ریخته و شکسته و تباه شده است. آخر کتاب نیز ناقص است. این نسخه با اینکه نسبت به دیگر نسخ، اشعار بسیار کمتری دارد، ولی دو مثنوی و هفت رباعی دارد که در دیگر نسخه‌ها نیست (رک: فهرست نسخه خطی کتابخانه ملک، ج ۲).

دیوان اشعار سعیدا

قالبهای شعری در دیوان سعیدا به ترتیب ذیل قرار گرفته‌اند:

غزل	قصیده	مثنوی	قطعه	رباعی	تک‌بیت
۵۹۰	۱۱	۲	۳	۱۴۷	۲۰

اگرچه سعیدا عمدتاً در قالب غزل طبع آزمایی کرده و نمیتوان لطافت بسیارِ غزلیات ناب هوشمندانه او را منکر شد، ولی قصاید او نیز درخور توجه است. او در بیشتر اوزان پرکاربرد عروضی شعر سروده و با بیشتر حروف الفبا قافیه‌پردازی کرده، تکرار قافیه در شعر او مشهود است و گاه از اختیارات شاعری بهره برده است. تعقید لفظی و معنوی گاه فهم شعرش را دشوار میکند:

معنی شعر ما بیان مکنید / مگشایید زلف درهم را (ص ۱۰)

روی‌هم‌رفته، سعیدا شاعر و بویژه غزلسرای شایسته تحسین است که شعر را در خدمت ارزشهای انسانی و اخلاقی قرار داده و در سرتاسر دیوانش کلمه‌ای ناپسند دیده نمیشود. کاربرد فنون بیان بویژه تشبیه تمثیل و تشخیص و برخی آرایه‌های بدیع لفظی و معنوی همچون تلمیح، تضاد و تناسب در شعر او بسامد بالایی دارد. از شعرای پیشین، سعیدا بیشتر به حافظ ارادت داشته است.

سبک شعری سعیدا

اگر دیدگاه خاص هنرمند به جهان و شیوه بیان وی را سبک او بنامیم (رک: کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵)، هر اثر مکتوبی در هر سطحی دارای سبکی مختص به خود است، از آنجاکه سبک همان انحراف نرم است، پس فقط از طریق مقایسه یک اثر با آثار دیگر میتوان سبک آن را مشخص کرد (شاعر آینه‌ها، شفیع کدکنی: ص ۳۸). البته در میان انواع ویژگیهای موجود در یک اثر فقط ویژگیهایی که بسامد فراوانی دارند، ویژگیهای سبک‌ساز هستند؛ حال این مختصات ممکن است زبانی، فکری یا ادبی باشند (سبک‌شناسی شعر، غلامرضایی: ص ۲۰۶). از این رو در این مقاله پربسامدترین ویژگیهای سبکی شعر سعیدا بررسی و تبیین میشود.

ویژگیهای زبانی

سطح زبانی، خود به سه سطح آوایی، لغوی و نحوی (دستوری) تقسیم میشود:

سطح آوایی

وزن: سعیدا از بیشتر وزنهای پرکاربرد عروضی در دیوان خود استفاده کرده است. پرکاربردترین اوزان عروضی در

غزلیات سعیدا که بیشترین اشعار شاعر را به خود اختصاص داده است عبارتند از:

رمل مئمن محذوف	مضارع مئمن اخر مکفوف محذوف	رمل مئمن مخبون محذوف	مجثت مئمن مخبون محذوف	هزج مئمن سالم	هزج مئمن اخر مکفوف محذوف	دیگر اوزان عروضی
۲۳/۶ درصد	۱۷ درصد	۱۴ درصد	۱۳/۹۵ درصد	۱۱/۴۲ درصد	۷/۱ درصد	۱۳/۵۳ درصد

در قصاید سعیدا، بحرهای رمل (۱۱ قصیده)، هزج اخر (۳ قصیده) و مجثت مخبون (۲ قصیده) بیشترین کاربرد را دارند. دو مثنوی وی در بحر سریع مطوی سروده شده‌اند و از بین ۲۰ تک‌بیت موجود در دیوان وی ۸ بیت در بحر هزج محذوف، ۶ بیت در بحر رمل سالم و بقیه در دیگر اوزان عروضی سروده شده‌اند؛ چنانکه میتوان گفت در بین اشعار سعیدا، بحر رمل بالاترین بسامد را دارد و بعد از آن به ترتیب رمل مخبون، مضارع اخر، مجثت مخبون و هزج سالم بیشترین بسامد را دارند. او گاه برای حفظ وزن عروضی از برخی اختیارات شاعری بهره گرفته است.

تشدید مخفف

طرفه اکسیری است در میخانه بر مس وجود / تا به دهلیزش درآید شیخ، شاب آمد برون (ص ۲۴۳)
دامان دل ز گرد هوس چیده میروم / این کوه قاف بین که چه بریده میروم (ص ۲۲۷)

تخفیف واژه

دل چون گرد از باده علاجش می ناب است / بی نشئه غم غمزده مسرور نگرود (ص ۱۰۱)
در صیدگاه حادثه مرغ دل کسی / هرگز نخسته چنگل شهباز همتم (ص ۲۷۲)
همچنین در مواردی انگشت‌شمار برای حفظ وزن عروضی مصوت کلمات را تغییر داده است:
عمرها شد ای خضر منت ز حیوان میکشی / لب تر از آب بقا تا زنده‌ای دیگر مکن (ص ۲۴۱)
قافیه: سعیدا از بیشتر حروف الفبا برای قافیه‌سازی استفاده کرده و تکرار قافیه که در دیوان شاعران سبک هندی و بویژه در غزل امری طبیعی شمرده میشود، در شعر او نیز بکرات مشهود است. عیوب قافیه نیز در مواردی معدود در دیوان سعیدا وجود دارد؛ مثلاً در ابیات ذیل به ترتیب عیوب اکفا و اقوا دیده میشود:
جا کرده همچو جان غم جانانه رگ به رگ / الماس ریزه سوده و بر جان زده نمک (ص ۱۹۸)
بیش نگویم ز جهان یا کم است / رشته کار همه سر در گم است (ص ۲۸۱)
گاهی نیز از «ردالقافیه» بهره برده است:
روشنگر زمان و زمین است آفتاب / یک صفحه از کتاب مبین است آفتاب
تا جوهر وجود تو آمد به روی کار / ماه است آسمان و زمین است آفتاب (ص ۲۹)

ردیف: سعیدا با استفاده از ردیفهای زیبا و طولانی، موسیقی کناری شعرش را افزوده است. بکارگیری ردیف در قالبهای شعری وی چنین است:

غزل	قصیده	قطعه	رباعی	تکبیت
۵۰۹	۲	۲	۸۵	۱۰

با توجه به جدول بالا سعیدا فقط در ۸۱ غزل از ردیف استفاده نکرده و افزون بر تعدد، تنوع ردیفهای بکاررفته در غزلیات او نیز قابل توجه است:

فعلی	عبارت	اسم	ضمیر	حرف	قید	عبارت فعلی
۲۴۳	۱۵۴	۶۷	۲۴	۱۵	۴	۲
۴۷/۷)	(۳۰/۲۵ درصد)	(۱۳/۱۶ درصد)	(۴/۶ درصد)	(۲/۹۴ درصد)	(۰/۷۸)	(۰/۳۹)
درصد)					درصد)	درصد)

چنانکه ملاحظه میشود ردیفهای غزل سعیدا بیشتر از نوع فعل، عبارت و اسم هستند: شدم نشسته نشسته (غزل ۵۵۹)، آهسته آهسته (غزل ۵۶۰)، میدهد از ماست که بر ماست (غزل ۹۸)، یار یکی، سخن یکی (غزل ۵۹۰)، امروز روز خوبی است (غزل ۱۴۰)، گر نباشد گو مباش (غزلهای ۳۹۲ و ۳۹۱)، خوش است خوش باشد (غزل ۲۷۷)، آمد نیامد (غزل ۲۹۹)، چشم سفید (غزل ۳۵۱)، نباشد چه کند کس (غزل ۳۸۸)، کاغذ (غزل ۳۵۲)، آخر کار (غزل ۳۵۵) و همچنین استفاده از ردیفهای اسمی دشوار و کم کاربرد مانند: خلق، عارض، اختلاط، خط، مختلف، بحث، احتیاط.

سطح لغوی

کاربرد واژگان و ترکیبات عربی در شعر سعیدا بسامد بالایی دارد:

ای ز ایراد قلم همنفسان مرفوع / تابعان به همه طبع و طبایع مطبوع (ص ۱۸۹)

یا من فتح باسک باب السلام فیض / انت السلام دارک دارالسلام فیض (ص ۱۸۶)

سعیدا از جمع مکسر عربی نیز بسیار استفاده کرده است؛ از جمله: قصور (ص ۲۷۱)، اشجار (۲۷۰)، سحور (۲۷۱)، بحور، اصنام، ریاض، بطون، نقط و ترکیبات عربی همچون: ذوالجلال (ص ۲۰۶)، حبل‌المتین (ص ۲۳)، حسن- الختام (ص ۲۰۶)، خیرالامور (ص ۲۳۳)، دارالامان (ص ۲۱)، دارالصفاء (ص ۷۴).

کاربرد کلمات ترکی در دیوان سعیدا بسیار معدود است: قلاووزی: رهبری (ص ۱۴۲)، سبکتکین (ص ۲۶۵) و قاپو: دروازه (ص ۲۱).

کاربرد واژه‌ها و ترکیبات مرتبط با عرفان و تصوف: بسبب عارف‌مسلمی سعیدا، اصطلاحات عرفانی و ترکیبهای مرتبط با آن بفرآوانی در اشعارش دیده میشود: تجرید، خانقاه، قبض، بسط، سجاده، وقت، دلق، طلب، رضا، فقر، پیر، خرقة پوش، خرقة تجرید، موزون کردن خرقة در فقر، خرقة به رود نیل زدن، سبحة، هوش در دم بودن، فنا.

کاربرد کلمات کهن

موجه (ص ۱۳، ۲۴۵ و ۲۷۵)، ستردن (ص ۱۲۷)، اندر (ص ۶۲)، دژم (ص ۲۶۷)، قالین (ص ۱۳)، زیاده (ص ۱۱)، اندیشه‌ناک (ص ۲۵)، شنودن (ص ۲۵)، خسبیدن (ص ۸۴)، خفتن (ص ۴۴)، خاربست (ص ۱۲)، اندرین (ص ۱۴۵)، انداز: اندازه و قصد و میل (ص ۱۴۶ و ۱۴۴)، موسیقار (۱۹۵)، دستان: نوا (ص ۴۶۶)، نوحط: جوان تازه

موی بر صورت روییده (ص ۲۳۹)، تردامنی (ص ۲۰۳)، اُشتر (ص ۲۰۵)، شان (کندو، ص ۲۷۱)، کلیسیا (ص ۲۱۴)، عنکبوت (ص ۲۸۱)، سپند (ص ۲۴۰ و ۱۵۲)، نیسان (ص ۲۴۲)، اشکسته (ص ۲۴۴ و ۳۱۱)، دستار (ص ۲۴۵)، فتراک (ص ۱۹۷)، فغفور (ص ۱۴۳)، خارخار (ص ۱۳۶)، انگاره: نقش و طرح ناتمام (ص ۱۳۴)، نخجیر (ص ۶)، جاروب (ص ۲۳۴)، ناوک (ص ۱۱)، خلیدن (ص ۱۳۶)، قَلّاش (ص ۱۲).

کاربرد کلمات کهن با کلمات رایج با معانی کهن

سوختی از گرمی خوی ای سراپا آفتاب / عالمی را آن سحاب لطف بارانت چه شد (ص ۱۳۵)

بر در دل چه زنی حلقه که این قفل گران / بی‌مددکاری مفتاح دعا وا نشود (ص ۱۵۰)

جبهه (پیشانی ص ۱۱۲)، خوبان (زیبارویان ص ۲۳۹)، آبگینه (شیشه ص ۱۷۱)، همیان (ص ۲۲۹)، ملت (مذهب ص ۳)، بَقَم (درختی که از بافتش در رنگری استفاده میشود ص ۲۶۷)، کردن (گفتن ص ۲۴۰)، افسر (ص ۲۴)، سراغ کردن (ص ۲۴۴)، خدنگ (ص ۱۵، ۲۷، ۱۴۵ و...)، مدام (شراب ص ۹۸)، فگار (ص ۱۳۹)، ستان (بگیر ص ۱۱)، طعنه‌کردن (ص ۱۱)، شاطر (پیاده‌چالاک ص ۲۷۷)، خور (خورشید ص ۲۸۰)، چرخ (آسمان ص ۱۹۷ و...)، دانستن: شناختن (ص ۱۵)، نمودن (نشان‌دادن ص ۲۵۵)، کردن (ساختن ص ۲۳۹)، ماندن (گذاشتن):

راه نجات را سر مویی نمانده‌اند / کردند چاک سینۀ ما چون به غم رفو (ص ۲۴۷)

دمی در پای خم سر مان و بحر و بر تماشا کن / بیا و آنچه جم میدید در ساغر تماشا کن (ص ۲۳۹)

استفاده از زبان کوچه: سعیدا تا حدودی از کلمات و اصطلاحات عامیانه در شعر خود استفاده کرده است: گرفت و گیر (ص ۲۲۹)، کش و فش (ص ۳۱۶)، نیم‌دمک (ص ۱۹۸)، یک‌دمک (ص ۱۹۸)، شنفتن، بی‌جگر (ص ۴).

کاربرد لغات جدید: فرنگی (ص ۱۴۵)، فرنگستان، رونما (ص ۸۴)، نازبالش (ص ۲۳۹)، نزاکت: نازکی (صص ۳۵ و ۸۲).

کاربرد ترکیب‌های زیبا و بدیع: همای حسن، های و هوی ساکن، نیم‌نان گدایی، مینای سنگین‌دل، لاف‌درونان، گرفته‌دماغان هجر، طربخانه تصویر، دیگ هوس، دل‌پرسی، بره‌پرورد، گرم‌داشت، آوازرس، آه یعقوبی، سرابان و... عبارتهای بدیع: سکه همت به روی کسی زدن (ص ۱۴۱)، سنجاب‌گشتن خاکستر به زیر پهلو (ص ۱۰۲)، سبز شدن خار از توجه گل (ص ۲۰۴)، از چشمه خورشید به چشم آب کشیدن (ص ۲۱۹)، جان محیط بر لب ساحل رسیدن (ص ۶۴)، حرز نوشتن هاله بر اطراف ماه (ص ۲۳)، در حرم خاص خویش بار نداشتن (ص ۲۱۵)، رسیدن خیال به دامان وصل (ص ۷۳)، گلو را به دم تیغ تر کردن (ص ۶۵)، میل کش چشم اعتبار خود بودن (ص ۲۱۳)، نقش قدم در پی کمین بودن (ص ۵۴).

سطح دستوری (نحوی)

کاربرد فعل به شیوه گذشته

جابجایی اجزای فعل: غیر از هدف شدن نزنند فال دیگری (ص ۲۲)؛ کاربرد فعل مضارع ساده بجای اخباری: از برگ گل نسیم کند بوربای حسن (ص ۲۳۹)؛ فعل امر بدون «ب»: خرقه آسمانی کن (ص ۲۴۲)؛ فعل امر مستمر: می‌افکن (ص ۱۳)؛ ساختن فعل نهی با «م»: مکن؛ کاربرد «ب» تأکید بر سر فعل ماضی: بگرفت (ص ۶۰)؛ کاربرد

^۱ مفاهیم لغات از لغتنامه علی‌اکبر دهخدا و فرهنگ آندراج از محمدپادشا شاد، ذیل واژه‌ها نوشته شده است.

قید نفی «نه» بر سر فعل بجای فعل منفی: نه برآمد (ص ۲۶۸)؛ تقدیم پیشوند زمان‌ساز بر «ن» نفی: میندانم (ص ۱۱۵).

کاربرد قواعد دستوری کهن

استفاده از حرف اضافه «به» بجای «در» و «برای»: مساز گردن خود خم به پیش کس به طمع (ص ۲۳۸)؛ استفاده از حرف «با» بجای «به»: دست من گیر و با خدا بسپار (ص ۲۷۰)؛ بکار بردن «را»ی مالکیت: نیست با بلبل جان بلبل گل را نسبت (ص ۲۳۹)؛ کاربرد «رای فک اضافه»: یوسف یعقوب را بها تو نمودی (ص ۲۵۵)؛ کاربرد «را» در معنای حرف اضافه: کسی را رسد گل ز روی تو چیدن (ص ۱۳۱)؛ کاربرد اسم مصدر بجای مصدر: رفتار محال است ز کوی تو کسی را (ص ۱۷)؛ ساختن قید با تکرار واژه: دلم به گرمی عشق تو باغ باغ شکفت (ص ۸۷).

کاربرد برخی ساختهای دستوری (با بسامد بسیار)

بکارگیری بسیار ترکیبات عطفی: گل و مل (ص ۵۶)، کوه و بیابان (ص ۵۷)، خوف و رجا (ص ۵۹)، دین و دل (ص ۷۷)، صبر و قرار (ص ۹۳) و... . ساختن اسم مصدر با یای مصدری با بسامد بسیار: دویی (ص ۱۹۲ و ۲۹۴)، رخ-زردی (ص ۹۶)، رسن تابی (ص ۶۰)، خوش‌دلی (ص ۲۸۹) و... . صفت فاعلی مرکب مرخم نیز در شعر او بسامد بالایی دارد: بداندیش (ص ۲۴۲)، خدایین (ص ۶۲)، خانه‌برانداز (ص ۴۷)، سلامت‌رو (ص ۲۲۰)، شعله‌زن (ص ۱۷۲) و...؛ همچنین صفت مفعولی مرکب: خانمان سوختگان (ص ۱۵۵)، خانه‌زاد (ص ۱۰۰)، دست و گردن بسته (ص ۱۴۰) و... .

ویژگیهای ادبی

سعیدا طبق رسم روزگار خود بویژه در غزلیات خویش از تصویرسازیهای زیاد و زیبا استفاده کرده و نازک‌کاریها و مضمون آفرینیهای شعرش گواه ذوق و سعی او در خلق تعبیرات پیچیده و دیرپاب است.

الف) تصویرسازی: تصویرسازی یکی از ویژگیهای بارز شعر سعیدا بویژه در غزلیات اوست. او با پرندگان و حیوانات، گلها و درختان، لوازم باده‌نوشی، اصطلاحات عرفانی، عناصر طبیعت و... تصاویری درخور آفریده است.

تصویرسازی با پرندگان و حیوانات

عاشق از جلوه معشوق نمایان گردد / سرو تا سر نکشد فاخته پیدا نشود (ص ۱۵۰)

ز دست خویش در آتش فتادی / که در معنی اقارب شد عقارب (ص ۳۲)

بلبل (بسامد بالا)، شیر، پلنگ، ماهی، نهنگ، عندلیب، اشتر، فیل، مور، مار، حیّه، ثعبان، سنجاب، فرس، سیمرغ، روباه، خرگوش، گریگ، هما، مگس، کبوتر، جغد، باز، سگ، سمندر، طوطی، پروانه، صعوه، خفاش، پشه، کرکس، خر، گاو، غزال، آهو و... در تصاویر او بکار رفته‌اند.

تصویرسازی با گلها و درختان

دانی چه بود باده گلگون ز رگ تاک / لعلی است که کردند برون از جگر خاک (ص ۱۹۶)

نه خال است آنکه میبینی تو بر رخساره نسرين / که بر خوان نباتی ریزه پای مگس مانده (ص ۲۵۱)

نرگس، صدف‌برگ، شب‌بو، لاله (با بسامد بالا)، سنبل، بنفشه، نسرين، نیلوفر، سوسن، یاسمن، سرو، انگور، بیدمجنون، نخل، بادام، تاک، حنظل، دستنبو، ریحان از گلها و درختانی هستند که سعیدا با آنها تصویرسازی کرده است.

تصاویرسازی با باده‌نوشی و لوازم آن (بسامد بسیار بالا)
لب‌گزیدنهای او امروز بیجا نیست دوش / بوسه‌ها از لعل می‌گونش لب ساغر گرفت (ص ۸۵)
فریب باده دنیا مخور به رنگ و به بو / که ناچشیده سعیدا خمار میارد (ص ۱۱۴)
تصویرسازی با اصطلاحات عرفانی
خرقه پُربینه ما عالمی را داغ کرد / میگذارد پنبه هر شب ماه بر دوش پلنگ (ص ۱۹۹)
در راه شوق چون گل صدبرگ میشکفت / هر خار چون ز پای طلب کام می‌گرفت (ص ۸۶)
تصویرسازی با عشق (بسامد بالا)
صد جا شکسته‌ام سر خُم گردن سبو / نشکست یک نفس ز سر من خمار عشق (ص ۱۹۵)
راز خود، خود فاش میسازد سعیدا مُشکِ عشق / ورنه کی باشد کسی را طاقت اظهار عشق (ص ۱۹۵)
تصویرسازی با عناصر طبیعت
برای آنکه کند بوسه آستان تو را / زمین نشست به تمکین و آسمان برخاست (ص ۳۷)
سیلی که برد زنگ ز آینه عالم / از دیده خونبار برون می‌کنم امشب (ص ۳۲)
تصویرسازی با اصطلاحات موسیقی
بجز ترانه ناقوس نغمه راست نکرد / اگرچه مطرب عشق از ره حجاز آمد (ص ۱۳۶)
بیوفایی در جهان هرگز سعیدا کم نشد / بر همان آهنگ اول هست این قانون هنوز (ص ۱۷۱)
تصویرسازی با اصطلاحات نرد و شطرنج
آخر منصوبه مهر بتان را کس ندید / عشق میبازند با هم لیلی و مجنون هنوز (ص ۱۷۱)
میدهد رخ طرح با ما مدعی باز از چه روست / بیدق خود را مگر امروز فرزین کرده است (ص ۶۲)
تصویرسازی با اعضای بدن
ز اشک، مردم چشم مرا زبانی نیست / چه غم ز حادثه این خانمان به‌دوشان را (ص ۱۱)
ز بار کلفت و غم همچو پای خواب‌آلود / نهان به گوشه دامن شدم نشسته‌نشسته (ص ۵۵۹)

ب) آرایه‌های ادبی

دیوان سعیدا مملو از آرایه‌های ادبی بویژه تشبیه تمثیل، تشخیص، کنایه و تضاد است.
تلمیح: در دیوان سعیدا به داستانهای گذشتگان، قصص قرآنی، عرفاء، عشاق و... اشارات فراوانی شده است؛
از جمله: تلمیح به داستان معجزات موسی^(ع)، چاه بیژن (ص ۲۷۵)، محمود و ایاز (ص ۱۶۷)، ابراهیم ادهم (ص ۱۳۴)، دارا (ص ۱۵۷)، لیلی و مجنون (ص ۱۶۴)، مالک دینار (ص ۱۱۶)، معراج (ص ۱۷۱)، یوسف و زلیخا (ص ۱۷۱)، موسی و طور (ص ۱۷۲)، واقعه کربلا (ص ۱۷۳)، خسرو و شیرین (ص ۱۹۶)، طوفان نوح (ص ۲۰۵)، اسکندر (ص ۲۴۲).

از آن روزی که تلقین شهادت کرد شمشیرش مسیحا دم فروبرد و عصا از دست موسی رفت (ص ۸۳)
شد عزیز مصر لیکن در فراق خویشتن یوسف ما خاطر یعقوب محزون ساخته (ص ۲۴۹)

اقتباس

او غفور است ای سعیدا می بنوش با کریمان کار باشد «لاتخاف» (ص ۱۹۱)

تو در طریق کسی رو که «ما عرفنا» گفت مکن پرستش اغیار را چو عبد مناف (ص ۱۹۱)

تشبیه صریح

دور بینند و ز نزدیک نظر میبوشند / همه را چشم به هم دوخته چون بند قبا (ص ۲)
چو شیشه سرخوش و صافی دل آدم در بزم / چو آفتاب به سر بردم و به سر رفتم (۲۱۱)
تشبیه تمثیل (با بسامد بسیار بالا)

عقل را نور نماند چو شود موی سفید / شمع تاریک بماند چو شود وقت سحر (ص ۳۱۸)
جهانیان صفت اهل دل نمیدانند / چه نسبت است به آینه شهر کوران را؟ (ص ۱۱)
باز با زاغ است دشمن، زاغ با زاغ است دوست یار شد هم‌رنگ یار و کهربا هم‌رنگ گاه (۲۴۸)
تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)

در صیدگاه حادثه مرغ دل کسی / هرگز نخسته چنگل شهباز همتم (ص ۲۷۲)
بی نهال قد و سیب ذقن و نرگس چشم / سیر باغ و چمن و آب روان چیزی نیست (ص ۷۸)

تشبیه مرکب

بر خنجر و شمشیر زبانهای فضولان / مانند کر از گوش تغافل سپری کن (ص ۲۴۱)

استعاره مکنیه غیراضافی (شخصیت‌بخشی)

عمرها شد که حنا کرده به خوبان بیعت / که به کام دل خود بوسه زند پای تو را (ص ۱۴)
به ذوق آن که نثارت کند جواهر اشک / دو دیده‌ام شده سرگرم قطره‌افشانی (ص ۲۷۹)

استعاره مکنیه اضافی

در گوش غنچه ناله بلبل اثر کند / فهمند اهل دل سخن اهل حال را (ص ۸)

استعاره مصرحه

عقل گشته سودایی در هوای آن معنی / آب تلخ میباید این حکیم یونان را (ص ۱۳)
ساقی بیا و دختر رز را به جلوه آر / بردار پرده از رخ و بشکن سبوی گل (ص ۲۰۴)

جناس ناقص

انعام ز حق به خاصه و عام یکی است / جان در بدن آدم و انعام یکی است (ص ۲۹۴)

جناس تام

جان طرفه‌همایی است که بازش نتوان دید / این یاز ز هر شاخ درختی که پریده (ص ۲۵۲)

جناس مختلف‌الاول

دیده‌ام شیخ و پیر و ترسا را / هر که در فکر کام و جام خود است (ص ۳۷)

جناس زائد

بس جستجوی یار که کردم ز هر دیار / دانسته کس نداد ز جانان سراغ را (ص ۷)

داریم اشک سرخ و رخ زرد از غمش در یک چمن نشسته خزان و بهار ما (ص ۱۹)

جناس مرکب

یاد ز یادت ببر ای خرده‌دان / هرچه به یاد تو بود خرده‌دان (ص ۲۸۱)
سرمه کی طاقت آن چشم پر از ناز آرد / تا دل خفته صاحب‌نظری نازارد (ص ۱۱۳)

جناس خط (مصحف)

تفریق حق و باطل عالم به نقطه‌ای است / صورت یکی است گر بنویسند خام و جام (ص ۲۰۷)

تناسب

بهشت و حور و رضوانش همه در امر و فرمانش / شده در عصر او رسوا چه مذهبها چه ملتها (ص ۳)
کنایه (بسامد بالا)

چو اهل و زرق و ریا، دلق من به نیل مزین / بزین به باده رنگین خم ردای مرا (ص ۱۱)
تا به ما روی دست خویش نمود / پشت پایی زدیم عالم را (ص ۹)

واج‌آرایی

قهر تو هر جا که نظر کرد سخت / تخته بازیچه شود تخت بخت (ص ۲۸۳)
مخلوط گشته، گشته و ناکشته در جهان / ناکشته کشته را تو در این کربلا شناس (ص ۱۷۳)
تضاد (بسامد بسیار)

فرق نهادم و تغییر ندیدم، دیدم / مسجد و سبحة و زنار و کلیسای تو را (ص ۱۴)
هرگز نه گشوده‌است و نه بسته‌است مه من / از ناز میان را و ز انداز دهان را (ص ۲۶۷)

سیاقه‌الاعداد

مردمی، فهم، ادا، ترس‌خدا، رحم بجا / نازم آن چشم سیاه تو که دارد همه را (ص ۲)
گر شود چشم دل از خواب گران‌وا، دانی / مال و جاه و حشم و گنج روان چیزی نیست (ص ۷۸)

حسن تعلیل

کلیم‌الله زد فریاد چون بر طور سینا رفت / چه حسن است این بت ما را که کوهش دید از جا رفت (ص ۸۳)
چو مشکم نکهت «فقر سواد الوجه» می‌آید / از آن چون نافه بر تن خرقه پشمینه‌ای دارم (ص ۲۱۶)

لف و نشر

ساقی آورد ساغری بگزیده / گفتا که بگیر ای ز من رنجیده
بگرفتم و نوشیدم و از خود رفتم / برخاسته و نشست و خوابیده (ص ۳۱۵): مرتب
آتش و فرعون و طوفان امتحان را دایم است / گرچه باشی در تقرب، نوح و موسی و خلیل (ص ۲۰۵): مشوش

تکرار

روی‌سیه، موی‌سیه، دل‌سیه / جامه‌سیه، خانه‌سیه، گل‌سیه (ص ۲۸۴)
از حق شنو با حق بگو تا چند گویی با کسان / از آن فلان بن فلان، ابن فلانی بهتر است (ص ۴۰)

پارادوکس

زبان بسته ما صوت بی‌صدا دارد / لب خموش به دل حرف آشنا دارد (ص ۱۰۵)
در کفر حق پرست شو آنگه خدانشناس / بیگانه را یگانه شو و آشنا شناس (ص ۱۷۲)

اغراق

ز آتش حسن تو خورشید اگر سوخت چه باک / میتوان ساخت دوصد مهر ز خاکستر مهر (ص ۱۶۶)
ز تلخکامی ذاتیم بس عجب نبود / که از شکسته عظمم هما کند پرهیز (ص ۱۷۲)

مجاز

هر که ز اخلاص خواند الحمدی / تو سعیدا بگوی آمین را (ص ۱۴)
این بیت ایهام تبادر هم دارد.

حس آمیزی

ز دیوان خط و خالsh نظر برداشتم یکسر / ز چشمش تا شنیدم مصرع رنگین ابرو را (ص ۱۵)
تا آمدم به چشم، سیاه و سفید دهر / دستم نکرده تیز نظر بر رخ درم (ص ۲۷۲)

ایهام تناسب

گردون اثر مهر تو آورد و مه نو / شد مشتری و برد به هم سود و زیان را (ص ۲۶۸)
نمکی ریخته گویا به دلت از شورم / گریهام زان لب خندان تو بیچیزی نیست (ص ۷۹)

ایهام تضاد

عشقت که دو عالم به دو انگشت فنا کرد / اثبات یکی کرد خدای دو جهان را (ص ۲۶۸)

ایهام تبادر

از بهشتم کرد بیرون عشق در خاکم فکند / حیرتی دارم که چون آدم نمیسازد مرا (ص ۹)
دیده را قسمت دیدار تو هرچند نماند / در ره وصل تو چشم نگران ما را بس (ص ۱۷۳)

تضمین

اوحدی خوش گفته‌ای بر روی یار / «بر گل از عنبر کمندی بسته‌ای» (ص ۲۵۳)
بخوان کلام سعیدا چو میل کارت نیست / «ز کارها که کنی شعر حافظ از بر کن» (ص ۲۴۰)

رد الصدر الی العجز

ز فرمان تو بیرون میروم در آستین دستت / مکش منت ز دست خویش و تن در ده به فرمانی (ص ۲۶۱)

ارسال المثل

هرگز نبریدی ز گنه رشته کردار / ناف تو مگر دایه به این کار بریده؟ (ص ۲۵۲)

تجاهل العارف

نمیدانم تو خاکی آتشی یا باد یا آبی / فتاد از تاب گردون و هنوز از حرص بیتابی (ص ۲۵۴)

ویژگیهای فکری

ویژگیهای فکری یک اثر، نگرش شاعر نسبت به جهان را مشخص میکند. از ویژگیهای فکری سعیدا میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

– اظهار ارادت به خاندان نبوت، امامت و سه خلیفه: بهترین نمونه قصیده‌ای ۲۹بیتی است که در آن خود را پیرو شریعت محمدی و حنفی‌مذهب میخواند و رسول اکرم (ص)، سه خلیفه و دوازده امام (ع) را در آن مدح میکند: دارم هزار شکر سعیدا که در جهان / در مذهب حنیفه و دین محمد (ص ۲۷۲)
غزلی نیز در منقبت پیامبر (ص) دارد که در مقطع آن برای شفاعت خود، ایشان را به فاطمه زهرا (ع) قسم میدهد با مطلع:

به رخ مهر جهان آرا به گیسو چون شب یلدا / به لب شیرینتر از حلوا به قد موزونتر از طوبا (ص ۳)
سعیدا عشق خود را به وجود پیامبر (ص) و علی (ع) چنین به شعر درمی‌آورد:
هرکس برای مصلحتی سوخت جان خویش / ما در فراق احمد مختار سوختیم (ص ۲۳۰)
گرچه مدح پیش قدر مرتضی برگ که است / نیست ضایع خاطر جمع است دلدل میخورد (ص ۱۲۲)
- توجه بسیار به عرفان و تصوف و اشارات گوناگون به بزرگان این طریق: از آنجاکه سعیدا از طریقه
نقشبندی پیروی نمیکرده، بیشتر اشعار او درونمایه عرفانی دارند. سعیدا در بیتهی خواجه ناصرالدین عبیدالله ملقب
به «خواجه احرار»، پیشوای سلسله نقشبندی را دستگیر خود میخواند و در جای دیگر خود را مرید «خواجه
نساج» میدانند:

چه غم داری سعیدا گر ز پا افتاده‌ای امروز / که فردا دستگیرت خواجه احرار میگردد (ص ۱۰۲)
ز فیض عشق از آن روز شعر میبافم / که تا شدم ز مریدان خواجه نساج (ص ۹۰)
خواجه نساج معروف به خواجه عزیزان یا حضرت عزیزان، همان خواجه‌علی رامینی «از قریه رامتین از اعمال
بخارا است که از مریدان خواجه محمود فغنوی شد و بر طریق اکابر نقشبندیه رفت و گویند در بدو حال نساجی
میگرد و شعر میسرود و در سال ۷۱۵ وفات یافت» (قدسیه، بهادر: ص ۳۷). نقشبندیه طریقتی منسوب به
خواجه‌بهاء‌الدین نقشبند بخارایی، شاخه‌ای منشعب از سلسله خواجهگان است که اصل آن به خواجه‌یوسف
همدانی بازمیگردد. از سخنان بهاء‌الدین است که «طریقت ما صحبت است و خلوت آفت شهرت است. خیریت در
جمعیت است و جمعیت در صحبت به شرط نفی بودن در یکدیگر» (همان: ص ۵۸). از سعیدا است:
خلوت طریق سلسله نقشبند نیست / پای دلم همیشه به زنجیر صحبت است (ص ۳۵)
«هوش در دم بودن» یکی از اصول یازده‌گانه طریقت نقشبندیه است که سعیدا خود را بدان توصیه میکند:
سعیدا هوش در دم باش تا باشی که از غفلت / شود عاصی اگر از دست موسی چون عصا افتد (ص ۹۹)
با توجه به نوشته‌های تذکره‌ها و ابیاتی از دیوان سعیدا چنین برمی‌آید که در اواسط عمر پیرو طریقت نقشبندی
شده، زیرا بیشتر اوقات خاموشی را بر صحبت مرجح دانسته که البته عکس این فرضیه نیز قابل تأمل است:
صهبا نصیب کوزه سربسته میشود / معنی همیشه بر لب خاموش میزند (ص ۱۴۲)
عزلت گزیده‌ایم به عزت رسیده‌ایم / صحت شدیم تا که ز صحبت بریده‌ایم (ص ۲۲۹)
عشق و و علاقه او به بزرگان عرفان همچون حسین بن منصور حلاج، ابراهیم ادهم، شبلی و... در ابیاتش مشهود
است:

میشد قبول شاه سعیدای بینوا / گر همتی ز شحنة بسطام میگرفت (ص ۸۶)
رقص دارد بر دم شمشیر خون کشتگان / کی سر منصور زحمت میکشد بر دار عشق (ص ۱۹۵)
فقرالی‌الله و توکل را سرمایه زندگی انسان، طمع را موجب خامی و صبر را سبب پختگی و کمال می‌شمارد:
هرگز دلم ز مزرع کس خوشه‌چین نشد / دائم ز خاکروبه فقر است دانهام (ص ۲۷۲)
برهنگی است عبا و قبای درویشی / توکل است لباس غنای درویشی
شکستگی همه کار تو را درست کند / دلی شکسته بود مومیای درویشی
ز حرص، جوش و خروش قلندر از خامی است به صبر پخته شود شوربای درویشی (ص ۲۵۸)
تمسک به فقرالی‌الله و دوری از تعلقات را مایه امنیت خاطر، تقرب الهی و برآورده شدن نیازها میدانند:
جاده ایمن و طریق خوش است / تا به حق شاهراه درویشی

بی‌پروبال میرسد تا عرش / صیخدم تیر آه درویشی (ص ۲۵۸)
درویشی را موجب پاکی از صفات نکوهیده بشری میداند:
پاک از غیبت و ریا و حسد / مسجد و خانقاه درویشی (ص ۲۵۸)
راه دستیابی به مراتب عرفانی رضا و تسلیم را صفا و خلوص و تضرع و مناجات میداند:
پاس تسلیم و رضا آن کس تواند داشتن / پیش رو آینه دارد تا به لب دل پر ز آه (ص ۲۴۸)
ریاضت و تزکیه نفس را مایه نرمخویی و خوش‌اخلاقی میداند:
بی ریاضت کی ملایم میشود طبع ثقیل / نرمخویی را کس از سنجاب نتواند گرفت (ص ۸۵)
رستگاری را حاصل سکوت میداند:
در کمر سنگ قناعت هیچ تأثیری نکرد / کاش من سنگ قناعت در دهن میداشتم
عندلیب باغ خاموشی نمیگشتم چنین / همچو طوطی من اگر میل سخن میداشتم (ص ۲۱۰)
سعیدا عافیت‌گریزی را شیوه خود میداند و از فقر و سختی ننگی ندارد:
عافیت را جامه گر بر دوش ما افتاده تنگ / اهل دل را از لباس پاره نبود عار و ننگ (ص ۱۹۹)
ز چشم خلق نیچم به صد هنر یک عیب / گدای عشقم و از دلق پاره عار ندارم (ص ۲۱۵)
– شکایت از ریاکاری زاهد، شیوخ و فقها (بسامد بسیار بالا)

چند ای عمامه‌داران بر سر دستار بحث / بر سر سجاده و تسبیح و بر زتار بحث (۸۸)
خلقی که میکنند به آب مدام بحث / هرگز نمیکنند به نان حرام بحث (۸۹)
بر مسند خلافت و بر صدر بزم جاه / زاهد نداشت رتبه به زور ریا گرفت (ص ۸۵)

باده‌ستایی

سعیدا شراب را درمان همه آفات میداند؛ از آن رو که عقل را از کار می‌اندازد:
از در میخانه رو گردان مشو / هر که چیزی یافت از این باب یافت (ص ۸۳)
در صومعه بودم همه عمر مقید / نازم به خرابات که از قید رها کرد (ص ۱۱۷)
شراب را توشه سالکان عالم معنا می‌شمارد:
به سیر عالم معنی شراب زاد ره است / که اول سفر ما بود ز خود رفتن (ص ۲۷۶)
تا جایی که اشتغال به کار آب و شراب را امری خدایی می‌شمارد:
در خدمت میخانه به سر برد سعیدا / کس را خبری نیست که او کار خدا کرد (ص ۱۱۷)
سعیدا چون حافظ پیر مغان را که مهربان و خطاپوش است، مرشد خود میخواند:
جز پیر مغان کس هنر خویش نپوشید / هرگز به کسی گفت فلان عیب چرا کرد؟ (ص ۱۱۷)
قسم به شیشه و پیمان، بینوایان را / که به ز پیر خرابات، مهربانی نیست (ص ۸۰)

تقابل عقل و عشق

معمار عقل را نرسد اوج دانشش / آنجا که رنگ ریخته باشد بنای عشق (ص ۱۹۶)
عشق را با عقل در یک دل مکن / شیر را روبه بدآموزی کند (ص ۱۴۳)
عقل در کار جهان است سعیدا شب و روز / لیک بیرون ز جهان کار دگر دارد عشق (ص ۱۹۴)
ز مجنون پرس پیر عقل نادان است در این ره / که طفل عشق استاد جهان شد در دبستانها (ص ۲۷)

نکته قابل توجه اینکه عافیت‌گریزیها، عقل‌ستیزیها و همچنین زاهدستیزی، تصوف‌گریزی و باده‌ستاییهای سعیدا را میتوان از مظاهر قلندر مسلکیهای او دانست که در بین عرفایی مانند سنایی، عطار و حافظ - که از آنها اثر پذیرفته است - بفرآوانی دیده میشود.

عشق در دیوان سعیدا

سعیدا عشق را صاحبقران ملک دل میخواند (ص ۱۴۵)، آتش عشق را گلستان‌کننده وجود عاشق میداند (ص ۱۹۴)، در بازار عاشقی سودایی جز ترک خویشتن نمیشناسد (ص ۱۹۴)، هر دو جهان را در چشم عشق بی - ارزش میداند (ص ۱۹۵)، شرط عشق و دنباله‌روی آن را گذشتن از وجود میداند (ص ۱۹۵) و معتقد است عشق، ذات اشیا و افراد را تغییر و تعالی میبخشد:

چوب را در رقص میارد سعیدا جذب عشق / جلوه لیلی‌وش ما بید مجنون ساخته (ص ۲۴۹)

خادم طفل کلیسا ساخت چندین شیخ را / ای بسا فرعون را موسای عمران کرد عشق (ص ۱۹۴)
اکسیر عشق را نجات‌بخش و دگرگون‌کننده انسان میداند:

چه همت است سعیدا به عشق بالادست / که جغد میبرد و شاهباز میارد (ص ۱۱۵)

تا عشق تو از هر دو جهان کرد خلاصم / هر کس که مرا دید تو را خیر دعا کرد (ص ۱۱۷)

در دیوان سعیدا علاوه بر ابیات زیادی که در قالبهای مختلف شعری به عشق نسبت داده شده، ۶ غزل (۴۰ تا ۴۵) شاعر به ردیف «عشق» مزین شده که نشان‌دهنده اهمیت عشق در نظر سعیداست.

نسبت دادن ناکامی به بخت و روزگار

روزگار پرستم هرگز فراموشم نکرد / هر کجا دردی سعیدا هست منظورم هنوز (ص ۱۷۱)
هر دم هزار ناله کنم همچو عندلیب / از شعبه‌های طالع ناسازگار خویش (ص ۱۸۳)

تأثیر شاعران پیشین بر سعیدا

سعیدا همچون دیگر همعصرانش از شاعران پیش از خود از جمله سنایی، صائب، نظامی و... پیروی کرده و از مضامین آنها در شعر خود بهره جسته، ولی در مجموع میتوان گفت بیش از دیگر شعرا از حافظ اثر پذیرفته - است.

سعیدا و صائب: بین صائب و سعیدا دوستی بوده، صائب غزلی با مطلع ذیل برای سعیدا سروده که با اندک تغییر در دیوان سعیدا موجود است:

نور شکوه حق ز مقابل رسیده است / وقت شکست آینه دل رسیده است (ص ۶۴)

و صائب در آخرین بیت غزل از او با نام سعیدای نقشبند یاد کرده است:

این خوش غزل به جذب سعیدای نقشبند / صائب ز بحر دل به انامل رسیده است

(دیوان اشعار صائب: ص ۳۰۵)

سعیدا نیز در غزلی از صائب و شعر او یاد میکند و در بیت مقطع میگوید:

ما را همین بس است سعیدا که صائبا / گفتا وجود فقر تو کامل رسیده است (ص ۶۴)

سعیدا در دیوان خود بارها اشعار زیبایی صائب را تضمین کرده و از ردیفها و تعابیر شعری او استفاده کرده است:

خوش آمده‌ست مصرع صائب سعید را / «کو سرگذشته‌ای که ز دستار بگذرد» (ص ۱۱۶)

مصراع دوم بیت بالا تضمین این بیت صائب است:

از سر گذشته‌اند کریمان این زمان / کو سرگذشته‌ای که ز دستار بگذرد؟
(دیوان اشعار صائب: ص ۳۶۶)

سعیدا و حافظ

بخوان کلام سعیدا چو میل کارت نیست / «ز کارها که کنی شعر حافظ از بر کن» (ص ۲۴۰)
پس از ملازمت عیش و عشق مهرویان / ز کارها که کنی شعر حافظ از بر کن
(دیوان اشعار حافظ: ص ۲۱۳)

خوش گفته این غزل را حافظ به حق قرآن / باشد که گوی عیشی در این میان توان زد» (ص ۱۲۳)
حافظ به حق قرآن کز شید و زرق باز آی / باشد که گوی عیشی در این میان توان زد (دیوان اشعار حافظ: ص ۸۱)

ای سعیدا ز حافظ امدادی / «شعر رندانه گفتنم هوس است» (ص ۴۴)

همچو حافظ به رغم مدعیان / شعر رندانه گفتنم هوس است (دیوان اشعار حافظ: ص ۲۲)

همیشه ورد سعیداست حافظا این قول / که جسم نازکت آزرده گزند مباد (ص ۹۸)

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد / وجود نازکت آزرده گزند مباد (دیوان اشعار، حافظ، ص ۶۰)

سنایی و سعیدا: سعیدا یکی از قصاید زیبایی خود با مطلع

بس بلند است قصر و خانه یار / در تصور ز سر فتد دستار (ص ۲۶۸)

را به پیروی از قصیده معروف سنایی سروده است که به ذکر بعضی ابیات آن بسنده میشود:

تا کی از خانه هین ره صحرا / تا کی از کعبه هین در خمّار (دیوان اشعار سنایی: ص ۱۹۶)

پای من راه خانه میدانم / سر من راه خانه خمّار (ص ۲۶۹)

کلبه‌ای کاندرو نخواهی ماند / سال عمرت چه ده چه صد چه هزار (دیوان اشعار سنایی: ص ۱۹۸)

بی تو در کلبه‌ای که میباشم / گشته هر موی بر تنم مسمار (ص ۲۶۹)

جای دیگر سنایی را حکیم حاذق خود دانسته و خطاب به ساقی رمز بر خورداری از دو کون را شنیدن پندهای سنایی میداند:

شد سنایی حکیم حاذق من / دارویم در دکانچه عطار (ص ۲۶۹)

ساقیا پند از سنایی گیر / تا شوی از دو کون برخوردار (ص ۲۶۹)

سعیدا و مولانا: سعیدا به ملای روم ارادت داشته و مثنوی خوانی را بر شاهنامه فردوسی ترجیح داده است:

همراه درویشان کجا هم صحبت سلطان کجا / از مثنوی گوید کسی شهنامه خوانی بهتر است؟ (ص ۴۰)

این غزل بر وزن بیت مثنوی است / «خشم مردان خشک گرداند سحاب»^۱ (ص ۳۱)

حذر کن ز آه درویشان به قول مولوی رومی / که از سندان گذر دارد سر پیکان درویشان (ص ۲۳۵)

جان من شد بنده ملای روم / دل مرید شمس تبریز آمده (ص ۲۵۱)

آن یار بعید آمد از بخت سعید آمد / از غیب نوید آمد من شبلی و منصورم (ص ۲۱۸)

^۱ تضمین بیت: خشم مردان خشک گرداند سحاب / خشم دلها کرد عالمها خراب (مثنوی معنوی، مولوی، دفتر سوم، ص ۴۵۸)

عید آمد و عید آمد وان بخت سعید آمد / برگیر و دهل میزن کان ماه پدید آمد (دیوان شمس: ص ۲۵۰)
سعیدا و بابافغانی: بابافغانی شیرازی از شعرای اوایل قرن دهم بود که شیوه خاصی در غزل ایجاد کرد و پیروان بسیار داشت. سعیدا شعر خود را در شورانگیزی با شعر او برابر میدانند:
نیست بی‌شوری خیالم سیر دیوانم بکن / شعر من هم کار اشعار فغانی میکند (ص ۱۴۵)
شنو ز شعر سعیدا نوای درد و الم / اگرچه داد مذاق سخن فغانی داد (ص ۹۸)
جامی، نظامی و سعیدا: اظهار ارادت سعیدا به جامی افزون‌بر جایگاه والای جامی، به دلیل پیروی وی از فرقه نقشبندیه نیز است:

اشعار سعیدا به نظامی نرسید / لطف سخنش به خاص و عامی نرسید
سرشار نشد ساغر او از معنی / تا قطره می ز جام جامی نرسید (ص ۳۰۴)
از برای مدد قافیه و حسن ردیف / هر زمان عرض به جامی و نظامی دارد (ص ۱۱۳)
تفاخر و تواضع در دیوان سعیدا: سعیدا در بسیاری از ابیات به زیبایی و دلنشینی غزل روانتر از آب خود بالیده و مفاخرات زیبایی سروده است؛ اگرچه رد پای تواضع و فروتنی نیز بارها در شعرش دیده میشود:
طبع تو اگر کان نمک نیست سعیدا / پس شور چرا شعر تو در بحر و بر انداخت (ص ۳۴)
زمانه داند اگر باشدش تمیز سخن / که کس نگفته سخن را به خوش ادایی ما (ص ۲۶)
ای سعیدا لب شیرین که داری به خیال / طوطی طبع غزلخوان تو بی چیزی نیست (ص ۷۹)
التزام فقر: سعیدا بنابر حدیث پیامبر (ص) «الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهٖ اُفْتَخِرُ» (بحارالأنوار، مجلسی، ج ۶۹: ص ۵۵). فقر را مایه افتخار خود میدانند و همچون مشایخ نخستین سلسله نقشبندی به ساده‌زیستی اعتقاد دارد:
بگذر ز جان سعیدا، در راه فقر پا نه / شاید که پشت پای بر این و آن توان زد (ص ۱۲۴)
ما را اگرچه خوار نمود افتقار ما / آن است بیشتر سبب افتخار ما (ص ۱۸)
ز آیین ما هر آنکه سعیدا کند سؤال / فقر است کیش و مذهب و ترک است دین ما (ص ۲۳)

التزام پیر

باینکه سعیدا فقط هدایت الهی را موجب رستگاری میدانند:
از پی هیچکس به جا نرسی / مر تو را گر خدای، هادی نیست (ص ۷۸)
ولی التزام پیر و مرشد را لازمه طی طریق و راه رسیدن به مقصود می‌شمارد و به متابعت از او سفارش میکند:
یوسف مقصود را مییافتم هر جا که بود / رهبری گر همچو بوی پیرهن میداشتم (ص ۲۱۰)

در ستایش عزت نفس

زله از خوان لثیمان چه بری بهر عیال / جز ندامت که کشی بر تو حرام است اینجا (ص ۳)
زخم ما کی به خویش میگیرد / منت چرب و نرم مرهم را؟ (ص ۹)
مدح بزرگان: سعیدا شاعر ستایشگری نیست. تنها او در غزل ۷۹ و ۱۰۴ دیوانش نعیم، مورخ عثمانی را می‌ستاید. کار او را همه مهر و کرم و وفا و خود او را شهریار حلب میخواند؛ همچنین شعر او را صفابخش دل

میشمارد. مصطفی نعیم‌مورخ و نخستین وقایع‌نویس رسمی دولت عثمانی (ت. حلب ۱۰۶۶-م. مورخ ۱۱۲۹) بود در زمان سلطنت سلطان مراد سوم و سلطان محمد چهارم وظایف متعددی در دربار داشت. وی رئیس تشریفات و وقایع‌نگار دربار بود و کتابی به نام *تاریخ نعیم* دارد (رک: نگاهی به تاریخ‌نگاری در دوره‌های صفوی و عثمانی (قرن دهم تا دوازدهم، عباس قدیمی قیداری: ص ۸۰).

حلب شهر و نعیم‌شهریار است / سعادت پیشکار و بخت یار است (ص ۳۸)
امروز صفابخش دل و ورد زبانه‌ها / گر دست دهد صحبت اشعار نعیم‌است (ص ۵۰)
از مروحه‌ای که شاه احسانم کرد / انگشت‌نما میان خوبانم کرد
در شهر حلب باد به فرمانم کرد / یوسف ز اعجاز خود سلیمانم کرد (ص ۲۹۹)

اعتقاد به تأثیر سرشت آدمی در سرنوشت او

نگردد نکته‌دان طفلی، نباشد عیب استادش / چو بی‌جوهر بود تیغی چه نقصان است سوهان را (ص ۱۲)
اندوه و گریه بود طعام و شراب ما / روزی که مینوشت قلم «و اشریوا کلا» (ص ۲۴۷)

نکوهش مردم دنیا

بجز از بخل در این دور زمان چیزی نیست / جز حسد پیشه این آدمیان چیزی نیست (ص ۷۸)
کمال بی‌هنری انتهای بی‌عیبی است / که خلق عیب نسازند جز هنر ما را (ص ۴)
بهره‌مندی از آبخور دینی: سعیدا از نص قرآن کریم و احادیث معصومین^(۴) در شعر خود بهره‌وافر برده است؛
از جمله:

از روز ازل تا به ابد دفتر خود کرد / بنوشت بعنوان قلمش «نَحْنُ قَسَمٌ» را (ص ۲۶۶)
اقتباس از «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ (زخرف: ۳۲)

فلک چترش کشد بر سر ملائک پیش او چاکر / کلام‌الله شد پیدا شهادت میدهد «لولا» (ص ۳)
که به حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الافلاک...» (الغدیر، امینی، ج ۵، ص ۴۳۵) اشاره دارد و بیت:
عالم اگر شوی تو به «العالمُ نقطه» / دانی که مرکز حق و باطل برابر است (ص ۳۹)
به سخن امیرمؤمنان^(۵): «العالمُ نقطه کثرها الجاهلون»: علم تنها یک نقطه است که نادانها آن را زیاد کرده‌اند.
(عوالی اللالی، احسانی: ص ۱۲۹) اشاره دارد و بیت:

در شکست دل از آن شادم که استاد ازل / کرده در مجموعه تن این ورق را انتخاب (ص ۲۸)

^۱ منصب وقایع‌نویسی عهده‌دار ثبت و نگهداری اسناد و مدارک رسمی و تدوین تاریخ بر مبنای آنها بود. در تشکیلات مرکزی عثمانی به تاریخ‌نگاران دولتی که مسئول ثبت وقایع بودند «وقایع‌نویس» گفته می‌شد. نخستین وقایع‌نویس رسمی دولت عثمانی مصطفی نعیم بود. او از بزرگترین مورخان عثمانی بشمار میرود (رک: نگاهی به تاریخ‌نگاری در دوره‌های صفوی و عثمانی (قرن دهم تا دوازدهم)، عباس قدیمی قیداری: ص ۸۰).

تلمیح دارد به حدیث قدسی: «لَا يَسْعُنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْعُنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ»: من در زمین و آسمانم نمیگنجم؛ ولی قلب بنده مؤمنم مرا در خود جای میدهد (اصول کافی، ج: ص ۱۲۸، ح ۱۷).

یا در رباعی ذیل با اشاره به آیات قرآن کریم، صفات خود و صفات الهی را اینگونه تبیین میکند:
هستی مال تو و نیستی مال من است / فعل تو همه نیک و بد افعال من است
استغنا و کبریاست حال تو مدام / افتادگی و شکستگی حال من است (صص ۲۹۲ و ۲۹۳)

در مدح بیخودی

تا همچو موج نقش خودی را زدم بر آب / در سینه داده همچو گهر بحر جا مرا (ص ۹)
گر ز ملک بیخودی زاهد خبر یابد شی / صبح ناگردیده با می میدهد سجاده را (ص ۱۶)

اندیشه وحدت وجودی

ما و من هر دو گم شود در او / خود شود عشق و عاشق و دلدار (ص ۲۷۰)
ز اختلافات نمود دهر احول بین مشو / هست دیبا یک بساط و نقش دیبا مختلف (ص ۱۹۱)

دنیاگریزی و توصیه به آن

برداشتم سعیدا دل را ز دین و دنیا / کردم به عشق سودا سود و زیان خود را (ص ۵)
تا به ما روی دست خویش نمود / پشت پایایی زدیم عالم را (ص ۹)

اندوه‌سرایی

چنگ خود ای زهره با خورشید پرداز و برو / دوست کی دارد طرب را جان غم‌پرورد ما (ص ۱۸)
صبحدم شیری که مهر دایه‌ام در کام ریخت / خون دل شد شام، غم از دیده‌ام ایام ریخت (ص ۳۴)

نقاط قوت و ضعف شعر سعیدا

پیروی شایسته سعیدا از ویژگیهای سبکی دوره خویش، رعایت قواعد و قوانین دستوری، به‌گزینی واژه‌ها در موارد بسیار، باستانگرایی و بکارگیری واژه‌ها و لغات کهن - که موجب ادامه حیات بعضی از این واژه‌ها، عبارات و افعال و حفظ آنها شده است - بکارگیری آرایه‌های ادبی متعدد و متنوع و بویژه بسامد بالای فنون بیان و از آن میان تشبیه‌های تمثیل و استعاره‌هایی از نوع شخصیت‌بخشی که بیش از دیگر فنون بیانی به درک خواننده کمک میکنند، استفاده فراوان از تلمیحات اسلامی (قرآنی، روایی) و ایرانی، تناسب، تضاد، پارادوکس و تمثیل و ارسال‌المثل که از راههای استنادبخشی، قرینه‌سازی و تقابل مقصود شاعر را بهتر به مخاطب منتقل میکنند؛ طرح مضامین و موضوعات متنوع عرفانی، اخلاقی و... به زیباترین وجه ممکن، دوری از لغات دشوار (بجز موارد اندک)، ضعف تألیف و تعقید لفظی از نقاط قوت شعر سعیداست. افزون بر این موارد عفت قلم و زبان عفیف سعیدا از برجستگیهای شعر سعیداست؛ چنانکه در کل دیوان وی حتی یک بیت هزل و هجو که در آن روزگار مرسوم بود، دیده نمیشود؛ همانطور که از مدیحه‌سرایی و سؤال نیز خبری نیست.

از برجستگیهای شاخص دیگر شعر سعیدا که میتوان از نوآوریهای وی شمرد، ترکیب‌سازیهایی بدیع بلاغی و دستوری شاعر است. سعیدا حدوداً چهارهزار ترکیب زیبای ادبی را که تعداد معتناهایی از آنها را هم خود ساخته در اشعارش بکار برده، که این امر دیوان اشعار وی را به گنجینه‌ای از ترکیبات زیبا تبدیل کرده است. در برابر موارد بالا از نقاط ضعف اشعار سعیدا افزون بر معایب قافیه که قبلاً ذکر شد، میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

اهمیت مضامین موردنظر شاعر و لزوم رعایت قوانین اوزان عروضی در موارد معدودی سبب شده شاعر در تلفظ اصیل کلمات دخل و تصرف کند و حتی ناچار شود قوانین دستوری و حتی خط فارسی را زیر پا بگذارد که میتوان این موضوع را مهمترین نقطه ضعف شعر سعیدا دانست:

گر کلامم سبز گردد در ضمایرها چه دور؟ / دشتها از گریه مجنون چمن گردیده است (ص ۶۳)

چه گویم از خم زلف و قد موزون و دلجویش / که هرگز کی توان کردن به عمری شرح و بست او (ص ۲۴۵):
بجای (بسط) برای رعایت املائی عروضی

به بخت تیره‌ام ای سرمه هر کجا چشمی است / بیا به دیده درایی و اصفهانی کن (ص ۲۴۲)

به دوستان تو جنت گشاده دگان را / به امتان تو بازار حسن ارزانی (ص ۲۷۸)

تلخ است صبر لیکن نفعش به از زیان است / زهر است خشم لیکن، اما ضرر ندارد (ص ۱۱۰)

ز فکر و ذکر، شیطان کرد غافل اهل عالم را / چه شد یارب که این گم‌کرده طالع راه مایان زد (۱۲۳)

سخن اهل دلی را سخن ماست مکن / جامه کعبه بر این قامت ناراست مکن (ص ۲۴۰): مضمون‌ربایی

نکته دیگری که تا اندازه‌ای استحکام شعر سعیدا را تحت‌الشعاع قرار داده، «تکرار قافیه» است - که البته شیوه رایج هم‌عصران اوست - با بررسی‌های انجام‌شده در غزلهای سعیدا مشخص شد شاعر در ۱۸۰ غزل از ۵۹۰ غزل خود، به تکرار قافیه دست زده که البته استفاده از محاسن قافیه مانند ردالقافیه و قافیه‌های متجانس تا حدودی این امر را پوشش میدهد.

نتیجه‌گیری

سعید نقشبندی یزدی شاعر عارف‌مسلك قرن یازدهم است. او در شعر از سبک هندی و در تصوف از طریقت نقشبندی پیروی میکرد و شعر خود را در خدمت عشق و عرفان قرار داد. عرفان ناب و تعالی‌بخش و ذوق شعری سعیدا وقتی با تازه‌گویی و خیال‌انگیزی سبک هندی همراه میشود؛ مضامین زیبایی می‌آفریند که در نوع خود کم‌نظیر است. در این راه از پدیده‌های طبیعت اعم از گل، درخت، حیوان، آب، باد، سیل و... تا قصص قرآنی و مفاهیم عرفانی و دنیای موسیقی و شراب و اهل تصوف و عشاق کمک می‌گیرد. شعرش را با آرایه‌های ادبی می‌آراید، از انواع تشبیه، استعاره مکنیه، تلمیح، تناسب، کنایه و تضاد بسیار استفاده میکند. اگرچه در کنار آنها تکرار، حسامیزی، لف و نشر، پارادوکس، ایهام، جناس و... را نیز بارها زیبایی بکار میبرد. او به شیوه اغلب شاعران معاصرش در کنار شاعری، پیشه‌ای دارد؛ از اینرو نقشبندی و شعربافی میکند. تولد و وفاتش مشخص نیست؛ ولی عمر کوتاهی ندارد. از زن و سه فرزند خود سخنی نمی‌گوید. به کابل و شام سفر کرده است.

سعیدا روحیه ستایشگری چندانی ندارد. تنها پیامبر اکرم (ص) را بکرات میستاید. عزت نفس دارد و تنها در یک مورد خود را سگ حضرت علی (ع) میخواند. شاعری اخلاقی است و جز مصراع (چند باشی چون زنان زیر لحاف: ص ۱۹۰) و صفت (بی‌پیر) که برای نفس آماره بکار میبرد، زشت نمی‌گوید. عاشق است و مرتبه اکسیر عشق را

قابل قیاس با حدّ عقل نمیداند. شرط عاشقی را از خود گذشتن و ترک انانیت میداند. غزل احساسی و لطیف بسیار دارد. مخاطب را به ترک دنیا سفارش میکند. شعرش تا اندازه‌ای رنگ دینی دارد و اشاراتی به آیات و روایات در آن دیده میشود. سعیدا از ریاکاری و گمراهی زاهدان و شیوخ و از بداقبالی خود و بی‌وفایی مردم بسیار شکوه میکند. از شعرای پیشین رد پای حافظ بیشتر در شعرش مشهود است.

سعیدا در غزلیات خود بیشتر از بحر رمل استفاده کرده و گاه از برخی اختیارات شاعری همچون تشدید مخفف و تخفیف واژه بهره برده است. او از بیشتر حروف الفبا در قافیه‌سازی استفاده کرده و در چند مورد عیوب اکفا و اقوا هم در شعرش دیده میشود. بسامد تکرار قافیه - که از ویژگیهای سبک هندی است - نیز در شعرش قابل توجه است. او ردیفهای خوش‌آهنگ و گاه بلندی بکار میبرد و بدینگونه موسیقی کناری شعرش را می‌افزاید. گاه نیز از کلمات و فعلهای کهن مهجور و غیرمهجور استفاده میکند. کاربرد واژگان عربی و واژگان مرتبط با عرفان در شعر او فراوان است. ترکیبات بدیع و زیبای وصفی و اضافی و عبارتهای بدیع فعلی در شعر او بسامد بالایی دارد؛ چنانکه میتوان سعیدا را یکی از شاعران برجسته عصر صفوی و پیرو سبک هندی دانست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

The Holy Quran.

Agha Bozorg Tehrani, M. (۱۹۷۸). Al-Dari'ah al-Tasanif al-Shi'ah. The second part of the ۹th part. Beirut: Dar Al-Azwa.

Allameh Amini, A. (۲۰۱۲). Al-Ghadir. Tr. by Mohammad Taghi Vahedi. Tehran: Besat Foundation.

Anousheh, H. (۱۹۹۷). Persian Literary Dictionary. Tehran: Printing and Publishing Organization.

Awhadi Maraghai, R. (۱۳۴۰). by Saeed Nafisi, Tehran: Amirkabir.

Azar, L. (۱۹۵۷). Azar Fire Temple. By Sadat Naseri, Tehran: Amirkabir.

Bahador, M. (۲۰۰۷). Candle Memorise Association. Introduction, corrections and comments by Mohammad Kazem Kahdavi.

Daneshpajoo, M, Afshar, I and Hojjati, M. (۱۹۹۱). List of Manuscripts of Malek Library belongs to the Holy See Quds Razavi. Vol.۲. Tehran: National Library's Library.

Dehkhoda, A. Dictionary. (۱۹۹۶). Tehran: University of Tehran.

Ehsaei, I. (۱۹۸۴). Awali al- Laali. Vol. ۴. Qom: Sayyed al-Shuhada.

Ghadimi-e Qeydari, A. (۲۰۱۷). A Look at Historiography in the Safavid and Ottoman Periods (۱۰th to ۱۲th Centuries). *Journal of Cultural Relations, Islamic Culture and Communication Organization*. ۱(۴). pp. ۶۹-۸۲.

- Gholamrezaei, M. (۱۹۹۸). *Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamlou*. Tehran: Jami.
- Hafez Shirazi, M. (۱۹۸۲). *Collection of Poems*. Ed. by Seyyed Abolghasem Anju Shirazi, Introduction by Ali Dashti, ۱st ed. Tehran: Javidan.
- Kulayni, S. (۲۰۰۰). *Sufficient principles*. Persian translation and commentary by Mohammad Baqer Kamarehi, Vol. ۵, Tehran: Office of Islamic History and Studies.
- Majlesi, M. (۱۹۷۷). *Bihar al-Anwar*. Vol. ۶۹. Isfahan: Ghaemiyeh Computer Research Center.
- Manzavi, A. (۱۹۹۸). *List of Persian Manuscripts*. Vol. ۲. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center.
- Mostovfi Bafghi, M. (۱۹۶۳). *Comprehensive useful*. By Iraj Afshar. Tehran: Asadi Bookstore.
- Mowlavi, M. (۱۹۹۱). *Masnavi-ye-Ma'navi*. Ed. by Reynold Nicholson, Tehran: Amirkabir.
- Mowlavi, M. (۲۰۱۴). *Divan-i Shams Tabrizi*. Rumi, Jalaluddin Mohammad, by Ali Dashti, Tehran: Pegah.
- Naqshband Yazdi, S. (۲۰۰۸). *Collection of Poems*. Correction and Introduction and Suspension of Razieh Rezaei Tafti. Tehran: Sorayya.
- Naqshbandi Bukhari, M. (۱۹۷۵). *Holy Book*. Introduction and correction and suspension by Ahmad Taheri Iraqi.
- Nasrabadi, M. (۱۹۹۹). *Memorise of Nasrabadi*. Introduction and correction by Mohsen Naji. Tehran: Ostoore.
- Qajar, B. (۲۰۱۴). *Memorise of Mohammad Shahi*. Introduction and correction by Hosein Mohammadzadeh Seddiq and Fatemeh Bahrami-e Saleh. Tehran: Takderakht.
- Saib Tabrizi, M. (۱۹۹۵). *Collection of Poems*. By Jahangir Mansour. Vol. One, Tehran: Negah.
- Sanai, M. (۱۹۹۵). Ed. by Modarres Razavi, Tehran: Sanaei.
- Shad, M. (۱۹۵۷). *Anendraj dictionary*. Under the supervision of Mohammad Dabirsiyaghi, Tehran: Khayyam.
- Shamisa, c. (۱۹۹۴). *Generalities of stylistics*. ۱st ed. Tehran: Ferdows.
- Shamisa, C. (۱۹۹۶). *Stylistics of Poetry*. Tehran: Ferdows.
- Valeh-e Dadaghestani, A. (۱۹۹۹). *Memorise of Mystics's Gardens*. Introduction and correction and research of Seyed Mohsen Naji Nasrabadi, Volume II. Tehran: Ostoore.
- Yazdi Modarresi, M. (۲۰۰۰). *Memorise of Shabestan*. By Akbar Ghalamsiyah. Tehran: Gita.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

اصول کافی. ثقه الاسلام کلینی (۱۴۲۱ق) ترجمه و شرح فارسی محمدباقر کمره‌ای، جلد پنجم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

بحارالانوار. مجلسی، ملامحمدباقر (۱۳۹۸) جلد ۶۹، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
تذکره ریاض‌الشعرا. علیقلی خان والءداغستانی (۱۳۷۸) مقدمه و تصحیح و تحقیق سیدمحسن ناجی نصرآبادی، جلد دوم. تهران: اساطیر.

تذکره شبستان. مدرسی یزدی، سید محمدعلی بن عبدالوهاب (۱۳۷۹) به کوشش اکبر قلمسیاه، تهران: گیتا.
تذکره محمدشاهی. بهمن میرزا قاجار، مقدمه و تصحیح حسین محمدزاده صدیق و فاطمه بهرامی صالحی، تهران: تکدرخت.

تذکره نصرآبادی. میرزا محمدطاهر (۱۳۷۸) مقدمه و تصحیح محسن ناجی، تهران: اساطیر.
تذکره آتشکده. آذر، لطفعلی بیگ (۱۳۳۶) به کوشش سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.
جامع مفیدی. مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۴۲) به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابفروشی اسدی.
دیوان اشعار. نقشبند یزدی، سعیدا (۱۳۸۷) تصحیح مقدمه و تعلیق رضیه رضایی تفتی، تهران: ثریا.
دیوان اشعار. صائب تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴) به اهتمام جهانگیر منصور، جلد اول، تهران: نگاه.
دیوان اشعار. اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین (۱۳۴۰) به کوشش سعید نفیسی، تهران: امیرکبیر.
دیوان اشعار. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۱) به تصحیح ابوالقاسم انجوی شیرازی، و مقدمه علی دشتی، تهران: جاویدان.

دیوان اشعار. سنایی، مجدودبن آدم (۱۳۷۴) تصحیح مدرس رضوی، تهران: سنایی.
الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، محمدمحسن (۱۳۵۷ه.ق). بخش دوم از جزء نهم. بیروت: دارالاضواء.

سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. محمد غلامرضایی (۱۳۷۷) تهران: جامی.
سبک‌شناسی شعر، سیروس شمیسا (۱۳۷۵) تهران: فردوس.
شمع انجمن. بهادر، سید محمدصدیق حسن خان (۱۳۸۶) مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدکاظم کهدویبی.
عوالی‌اللاکی. احسانی، ابن ابی‌الجمهور (۱۴۰۵ق) جلد چهارم، قم: سیدالشهدا.
الغدیر، علامه امینی، عبدالحسین (۱۳۹۱) ترجمه محمدتقی واحدی، تهران: بنیاد بعثت.
فرهنگ آندراج، شاد، محمدپادشا (۱۳۳۶) زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
فرهنگنامه ادبی فارسی. انوشه، حسن (۱۳۷۶) تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، احمد. (۱۳۷۷) جلد دوم، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک وابسته به آستان قدس رضوی، دانش‌پژوه، محمدتقی، افشار، ایرج و حجتی، محمدباقر (۱۳۷۰) جلد دوم. تهران: انتشارات کتابخانه ملی.
قدسیه. پارسای بخارایی، محمدبن محمد (۱۳۵۴) مقدمه و تصحیح و تعلیق از احمد طاهری عراقی.
کلیات سبک‌شناسی. شمیسا، سیروس (۱۳۷۳) تهران: فردوس.

کلیات شمس تبریزی به انضمام سیری در کلیات شمس. مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۹۳) به کوشش علی دشتی، تهران: پگاه.
لغتنامه. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۵) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مثنوی معنوی، مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۰) تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: امیرکبیر.
نگاهی به تاریخنگاری در دوره‌های صفوی و عثمانی (قرن دهم تا دوازدهم)، قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۶) مجله روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، (۴) ۱، صص ۶۹-۸۲.

معرفی نویسندگان

فاطمه سادات طاهری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

(Email: taheri@kashanu.ac.ir: نویسنده مسئول)

رضیه رضایی تفتی: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

(Email: pardis.hsm@gmail.com)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Fatemeh Sadat Taheri: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.

(Email: taheri@kashanu.ac.ir : Responsible author)

Razieh Rezaei Tafti: Graduate of Persian Language and Literature, M.S, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

(Email: pardis.hsm@gmail.com)